

جامع ترمذی عربی احصاء من اسانی ۱۴۰
حیر و جان دیر عربی کیشانی گستان

۱۶۶ - (۳)

ان (قطعاً) بی شک بی آن (هذه امةکم) (این امت شماست) امة واحدة (امی یگانه)
انما شکم (من پروردگاران هم) فاعیدون (سین مرا عبارت کنید)
روایت زینیه:

۱- امت شما امی واحد است ما با تم ، ۲- این امت شما ، خدای ۴- که ، می باشد ، خدای
می با تم ، فقط

۱۶۷ - (۳)

اننا (قطعاً ما، ما) فزی (من بینم) اکثر من الباط (بیداری از اردکها)
سبح (شنا می کنند) فی الماء البارد (در آب سرد) فی الشتاء (در زمستان)
والاسنان لیس کذبک (حال آنکه اسنان این چنین نیست)
روایت زینیه ها:

۱- می یایم ، آب سرد زمستان (۲- اردکهای زیادی ، سرهای زمستان ، سرد در زمستان)
نمی باشد ۴- اردکهای زیادی ، می یایم ، زمستان سرد ، سرد در زمستان) نمی باشد .

۱۶۸ - (۴)

ما من شجرة (هیچ درختی نیست) تفرس (که کلاه شود) الا (مگر)
لها فائدة للناس (برای مردم فایده ای داشته باشد) اذن (بنابر این) لیس غرس الاشجار (کاشتن درختان)
سبب انها تنمیر فقط (نخام اینها فقط میزند و میزند)
روایت زینیه ها ۱- آنچه از دست کاشته هرگز ، فایده اش ، می ، عدت کاشتن ، همه بر آن است ← از ادم صفحه بعد ←

۲- درخت فقط بر این کاشته می شود (که فایده بخش است) ، بهره ببرند ۳- بکار می ، ناپیده (معرفه او من) علت کاشتن ، سوره دانشان

۱۶۹ - ۲

ما أسرع : (حیدر سریع است) تلوث الهواء (آلودگی هوا) من كثر ببيتنا (در خراب کردن محیط زیست ما) ان لم يتحقق التوازن (اگر تعادل در محیط زیست محقق نشود) فهو مهدد للبيئة (او این امر تهدید کننده نسبت است)
رد سایر گزینه ها :

- ۱- خراب شدن ، حیدر تهدید کننده میباشد ۳- برای خراب شدن ، آلودگی هوا بسیار سریع است ،
- ۴- سریع نیست ، محقق شود ، گزینه تهدید می کند

۱۷۰ - ۴

كان يُراقب (مراقبت می کرد) المزارع (کشاورزی) امور المزرعة (کارهای مزرعه) مراقبه (بادقت : مفعول مطلق تأکیدی) كانت تتغذى (تغذیه می کردند = برمی گزیده به البومات که جمع غیر عامله و فعلش مفرد ثبوت می آید اما در ترجمه جمع ترجمه شود) الأفراخ (جوجه ها)
هذه سنة الطبيعة (این سنت طبیعت است)

رد سایر گزینه ها :

- ۱- مراقب بود ، تغذیه صغیرها ، انجام می گرفت ، بود ۲- بادقت (ذکر شده) خورده بودند ما بود
- ۳- از ، خورده بودند ما

۱۷۱ - ۳

كُنَّا جَمَاعَةً لَدِينَا قُرْحُونَ (همه ما به آنچه داریم خوشالم)

۱۷۲ - ۱

عظمتها من تراثنا : ۲- رفیق خانواده ما ، آخر ، سب افراس (معروف ترین سب رفیق خانواده ما)
افراس را باید ادامه

۱۷۲ - ادامه

۳ - انرژی نوری تولید کند (بعضی نورها از تبدیل انرژی شیمیایی به انرژی نوری تولید می شود)

۴ - امواج صوتی (امواج صوتی) ناشی از تشدید (برای شناسایی)

۱۷۳ - ۱

غلط‌های گزینشی

۲ - هوادار، ۳ - استخراج، من البرق فی قرآءة، ۴ - استخراج، هوادار، الماد، فی قرآءة

۱۷۴ - ۲

حلقاً نفسی بسیار امرکننده به پری است . (که با توجه به مفهوم آیه گزینشی

۲ این مفهوم اندر در . اما گزینشی با از دشمن نفس انسان سخن می گویند

۱۷۵ - ۱

غلط گزینشی (خبره علی الناس) خبران (ذو) می باشد و ل صرفاً گزینشی است .

۱۷۶ - ۳

غلط (حروفه الاصلیه ش م ت) س ا م حروف املس (ش م ت) است

۱۷۷ - ۴

غلط (فعلی = « ادب » من باب تفعّل) مؤدّب از باب تفعّل مصدر تا ادب است

۱۷۸ - ۲

غلطها (سلاح) (سلاح) مَطَهَّرًا (مَطَهَّرًا) اسم فاعل مزید ثلاثی از باب تفعّل

لازم به توضیح که رگزینشی ۳ (السّاح) که فتحه گرفته معطوف الحفاظ است نه الافراج

۱۷۹ - ۲

درگزینشی ۲ (ل) حرف ناصبه است ، مضاعف مضروب اما گزینشی (ل) جازمه مضاعف مجزوم

۱۸۰ - ۱

ما (اسم شرط) تنقیب (مض شرها) فمهی مضدّه تک (جواب شرها) گزینشی ۲ م (نفسی) و گزینشی ۴ (استقامت)

۱۸۱ - (۴)

عُلَّ طُنْزِي (سِنَوَاتٍ) (سنة) حِين مَعْدَر ۱۱ ۹۹۶ مَعْرَد مَعْدَر مَعْدَر مَعْدَر

۱۸۲ - (۲)

اسم ها که مرفوع (فَاعِل ، نَائِبُ فَاعِل ، مَبْدَأ ، خَيْر ، اسم افعال ناقصه ، ضمير حرف مشبه
و ضمير لائقي للجنس و صفت های آنها است)

گزینه ۱ - الاولاد (فَاعِل) مَوَدَّبُون (صفت) مَقْدَس (ضِرَان) (۳)

گزینه ۲ - مَصَابِيح (نَائِبُ فَاعِل) مَنْرَةٌ (صفت) الوان (مَبْدَأ) مَعْدَلَةٌ (صفت) ۴

گزینه ۳ - اکبر (ضِرَان) (۱)

گزینه ۴ - هذه (مَبْدَأ) صفات (ضِر) المؤمنون (فَاعِل)

تایم به توضیح است که (حیت) به عنوان جمله وصفیه مرفوع است نه اسم مرفوع

۱۸۳ - (۴)

کَلِمَاتٌ (ضمير ناقص)

گزینه ۱ - محبوب (ضمير مفعول) ۲ - قریبه (ضمير مفعول) ۳ - صانع (ضمير مفعول)

۱۸۴ - (۳)

لا سَبَب (من مَعْدَر) الاطوار (فَاعِل) الحفصه (صفت) اللوات (مفعول به)

فَسَخِصْنَ (ضمير ناقص) رُتَبُهُنَّ (ضمير ناقص) اذ من تَوَنَّمَ بِاللَّهِ شَيْئاً حَدَفْتُمْ (ضمير ناقص) الرهات (فَاعِل) و عَدَاءٌ (مفعول) اذ من تَوَنَّمَ بِاللَّهِ شَيْئاً حَدَفْتُمْ (مفعول به)

۱۸۵ - (۱)

ولدي (منادا صفات إلى) چون پدرش (اجعل) فعل امر للمخاطب است
که ما را به منادا بران (ولدي) را می‌گوید